خانه‌ای که دیوارهایش از خاطره ساخته شده و سقف‌اش از امید. خانه‌ای که در آن، «صداهایی که هنوز می‌آید» نه‌تنها پژواک رنج‌اند، بلکه‌طنین امکان هم‌هستند؛ شما بخوانیدش امکان زیستن، امکانی که نه در هیاهوی خیابان، بلکه در لایه‌های پنهان هستی اجتماعی شکوفا می‌شود؛ در پیوندهای نامرئیِ همبستگی، در بازخوانی خویشتنِ جمعی از دل شکست و زخم. این امکان، بازگشت صرف به وضعیت پیشابحران نیست، بلکه تکوین نظمی نوین در دل بی‌نظمی است؛ نظمی که در آن، سوژه‌ها دیگر تنها ابژه‌های رنج نیستند، بلکه حاملان معنا، تولیدکنندگان روایت و کنشگرانی آگاه‌اند.

امکان کنش جمعی رهابخش، یعنی نفی صورت‌بندی‌های سلطه‌محور حافظه و جان‌بخشی به روایت‌های حاشیه‌نشین و به‌حاشیه‌رانده‌شده. جایی که نجوای بدن‌های فراموش‌شده، تاریخ را از نو می‌نویسد؛ نه از منظر فاتحان، بلکه از چشم‌انداز بازماندگان. این زیستن، نوعی بازسیاسی کردن امر روزمره است، برساخت دوباره میدان‌های کنش و احضار امر جمعی در برابر منطق فردیت افسارگسیخته. ازاین‌حیث، زندگی کردن نه‌فقط بقا، که نوعی پافشاری بر معناست، پافشاری بر این‌که هنوز می‌توان جهانی دیگر را تصور کرد؛ جهانی که در آن، صدای سرکوب‌شدگان پژواک می‌یابد، حافظه‌ها به تاراج نمی‌روند و سوژه‌ها نه در مقام قربانی بلکه در مقام مؤلفان آینده برمی‌خیزند. این است وعده امکان؛ زیستنی سرشار از امکان‌های گشوده برای گسست، برای خلق و برای آغازی دیگر.

باید اذعان کرد که روایت جنگ و پساجنگ، خود عرصه‌ای برای نبرد معناهاست. همان‌طور که جان الکسان[4] در پروژه « اجرای خاطره‌ی جمعی» یادآور می‌شود، حافظه، صرفاً بازنمودی منفعل از گذشته نیست، بلکه در فرآیند بازروایی، همواره در حال بازتعریف هویت جمعی است. به همین اعتبار، صداهایی که هنوز می‌آیند، می‌توانند به روایت‌های حاکم، رسمیت‌یافته و حتی ایدئولوژیک بدل شوند. اما در دل زیست‌جهان مردمان، صداهایی دیگر نیز هست؛ صداهایی شکست‌خورده، طردشده یا حتی آمیخته به شوخی و سکوت. آنان که با اندام‌های ناقص، با حافظه‌های تکه‌تکه، اما با امیدهای کوچک و پابرجا به خیابان‌ها برگشتند، درحقیقت حاملان یک پروژه معنابخشی نوین‌اند. پروژه‌ای که در آن، سیاست دیگر نه در سطح دولت‌ها و قراردادهای رسمی، بلکه در سطح زندگی زیسته و حافظه‌های پراکنده بازتعریف می‌شود؛ چون نهاد قدرت، هرچند می‌کوشد از خلال رسانه‌ها، یادمان‌ها و گفتارهای مسلط، حافظه را مدیریت و دگرگون کند اما در برابر تکثر معناهایی که از دل زیست روزمره برمی‌خیزند، همواره با بحران مشروعیت مواجه است. در همین نقطه است که بازگشتن مردم به خیابان‌ها، نه بازگشت به نظمی پیشین، بلکه آفرینش نوعی نظم بدیل است؛ نظمی که در آن، قدرت از بالا به پایین جریان نمی‌یابد، بلکه در کنش‌های خُرد، در مواجهه‌های روزمره، در بدن‌های زخمی اما ایستاده، از نو معنا می‌گیرد.

شاید این کنش‌ها در نگاه اول پیش‌پاافتاده به‌نظر آیند؛ عبورهای خاموش، تجمع‌های بی‌نشانه یا حتی ایستادن در یک صف طولانی. اما در عمق این عادی‌بودگی، چیزی پنهان است؛ نوعی طغیان آرام، یک استراتژی زیست غیرمسلحانه در برابر سازوکارهای سلطه. درست در همین معناست که مارشال برمن[5] خیابان را قلب تپنده مدرنیته می‌داند؛ فضایی که در آن، تنش میان بیگانگی و عاملیت، میان سلطه‌ورهایی، لحظه‌به‌لحظه بازآفرینی می‌شود. خیابان نه‌فقط محل عبور، بلکه میدان برخورد نیروهای اجتماعی، میدان مواجهه پنهان و آشکار با اشکال مختلف اقتدار است. در خیابان، نظم نمادین قدرت به چالش کشیده می‌شود. در خیابان است که سوژه‌ها خود را نه‌به‌مثابه توده‌ای مطیع، بلکه به‌مثابه بدن‌هایی حساس، حافظه‌مند و مقاوم بازمی‌شناسند. این خیابانِ زیسته، نه صرفاً مکانی فیزیکی، بلکه صحنه‌ای است برای بازیافتن خویشتن جمعی، برای رقص متکثر معناها و برای شکستن یک‌دستی گفتمان‌های مسلط.

در چنین وضعیتی، مسئولین، در برابر این تکثر سیال و بدیل‌های نامنتظر، سرگردان می‌شوند. چراکه این معناها، خلاف گفتمان‌های رسمی، به آسانی به انقیاد درنمی‌آیند؛ آن‌ها ریشه در تجربه دارند، در خنده‌ها و زخم‌ها، در شب‌های بی‌پایان خاموشی و در بیداری صبحی که هنوز نیامده. این معناها در تعامل‌اند، در تلاقی‌اند و درست به‌همین دلیل، هرگونه کنترل یکپارچه بر آن‌ها ناکام می‌ماند. از این منظر، بازگشت به خیابان نه‌تنها بازگشت به عرصه عمومی است، بلکه بازگشت به امکان است؛ امکانی برای بازسازی سوژه‌گی، برای احیای عاملیت و برای ترسیم چهره‌ای دیگر از آینده. خیابان، در قامت یک میدان معنایی، تبدیل به بوم نقاشی مقاومت می‌شود؛ بومی که بر آن، هر کنش خرد، هر نگاه و هر تردید، ردپایی است از زندگی. آری، این همان زندگی است که هنوز می‌خواهد معنا داشته باشد، حتی پس از همه شکست‌ها.

زیستن پس از جنگ، به‌مثابه نوعی سیاست روزمره، همچنان به دوش حافظه جمعی و تلاش برای به فراموشی نسپردن آنچه رخ‌داده است، استوار می‌ماند. این بازگشت، بازگشت به جهان پیشین نیست؛ بلکه بازآفرینی یک هستی اجتماعی تازه در دل زخم است. صداهایی که هنوز می‌آیند، نه‌تنها بازمانده گذشته‌اند، بلکه جزئی از اکنون‌اند؛ آن‌جا که جنگ، نه در تصاویر آرشیوی، بلکه در مناسبات جاری قدرت، در شکاف‌های بازتولیدشونده طبقاتی، در اضطراب و گسست هویتی، حضوری موذیانه و پیوسته دارد. جنگ در حافظه فرو نمی‌نشیند، بلکه در فرم‌های روزمره سلطه، در سرکوب صداهای حاشیه و در نامرئی‌سازی بدن‌های فرودست، تداوم می‌یابد.

در شهر، آن‌جا که زندگی به اجرا درمی‌آید، بازماندگان هم‌چنان می‌زیند، با حافظه‌هایی سیال و صداهایی بی‌قرار. زیستن در چنین شرایطی، به کنشی چندوجهی بدل می‌شود؛ کنشی که نه‌فقط با زنده‌ماندن، بلکه با معنادادن به زیست خویش پیوند دارد. فضاهای شهری، از مترو گرفته تا کوچه‌های فراموش‌شده، از مراکز خرید تهی از خریدار تا بوستان‌هایی با نیمکت‌های سال‌خورده، همگی به صحنه‌هایی بدل می‌شوند برای بروز خُرده‌مقاومت‌ها و ساختن روایت‌های دیگر. بدن‌ها، با تکرارِ کنش‌هایی گاه ساده و به‌ظاهر کم‌اهمیت، فضا را از انقیاد تهی و به محمل امکان تبدیل می‌کنند. در دل این زیست‌شدن‌های روزمره، شاهدیم که زندگی نه به‌مثابه بازمانده‌ای خاموش، که چونان فرآیندی در حال تکوین، در برابر حافظه‌های مصادره‌شده و گفتمان‌های مسلط، قد علم می‌کند. این زیستن، نه با فریاد، بلکه با دوام، نه با تصریح، بلکه با حضور مستمر، خود را به جهان تحمیل می‌کند و همین است که آن صداها را هنوز زنده نگه می‌دارد؛ صداهایی که نه بازتاب گذشته، که پژواک پایداری‌اند؛ پایداری برای بودن، برای معنا دادن و برای ساختن جهانی که هنوز نیامده است.

این زیستن، برساختی منفعل نیست، بلکه کنشی است معطوف به بازپس‌گیری معنا؛ تلاشی برای احیای پیوندهای ازهم‌گسسته و بازتعریف نقش سوژه در نظمی که دیگر انسجام گذشته را ندارد. حافظه، در این فرآیند، به نیرویی مقاوم بدل می‌شود که از طریق آن، سوژه رنج‌دیده، هم از به‌حاشیه‌رانده‌شدن می‌گریزد و هم امکانی برای بازیابی عاملیت خود می‌یابد. در اینجا، زیستن، نه به‌عنوان تداوم زیستی بی‌معنا، بلکه به‌منزله بازآفرینی مستمر خود و دیگری در جهانی از نو ترسیم‌شده، ظاهر می‌شود. جهانی که در آن، هر کنش خرد، حامل بار سنگین معنا، حافظه و امکان است و شاید در همین تداوم خُرد، در همین پافشاری خاموش، آن افق رهایی نهفته باشد؛ افقی که در آن، صدایی که هنوز می‌آید، صرفاً پژواک گذشته نیست، بلکه نوید آینده‌ای دیگر است.

زیستن پس از جنگ، به‌مثابه نوعی سیاست روزمره، همچنان به دوش حافظه جمعی و تلاش برای به فراموشی نسپردن آنچه رخ‌داده است، استوار می‌ماند. این بازگشت، بازگشت به جهان پیشین نیست؛ بلکه بازآفرینی یک هستی اجتماعی تازه در دل زخم است

پی‌نوشت‌ها:

1- Bayat, A. (2025, June 30). The spirit of Tehran. New Lines Magazine.
2- Halbwachs, Maurice. (1992). On collective memory (L. A. Coser, Ed. & Trans.). University of Chicago Press. (Original work published 1950)
۳-برگرفته از سخنان دکتر آصف بیات در نشست انجمن علمی مطالعات شهری دانشگاه تهران، اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴.
4-Alexander, Jeffrey C., Eyerman, Ron, Giesen, Bernhard, Smelser, Neil J., & Sztompka, Piotr. (2004). Cultural trauma and collective identity. University of California Press.
5-Berman, Marshall. (1982). All that is solid melts into air: The experience of modernity. New York: Simon and Schuster.

منابع

Alexander, Jeffrey C., Eyerman, Ron, Giesen, Bernhard, Smelser, Neil J., & Sztompka, Piotr. (2004). Cultural trauma and collective identity. University of California Press.
Connerton, Paul. (1989). How societies remember. Cambridge University Press.
Halbwachs, Maurice. (1992). On collective memory (L. A. Coser, Ed. & Trans.). University of Chicago Press. (Original work published 1950)
Nora, Pierre. (1989). Between memory and history: Les lieux de mémoire. Representations, (26), 7–24.
Bayat, Asef. (2010). Life as politics: How ordinary people change the Middle East. Stanford University Press
Berman, Marshall. (1982). All that is solid melts into air: The experience of modernity. New York: Simon and Schuster.
Bayat, Asef. (2025, June 30). The spirit of Tehran. New Lines Magazine. https://newlinesmag.com/first-person/the-spirit-of-tehran/

مطالبات جنسیتی خودیعنی مطالبه حقوق برابر با مردان یا مطالبه نقش‌های اجتماعی مؤثرتر در جامعه، بیشتر انرژی خود را معطوف به مراقبت از دیگران به‌ویژه کودکان، سالمندان و... می‌کنند. نقش مراقبتی زنان، تأثیر زیادی بر حفظ شالوده جامعه دارد و من نمی‌خواهم آن را به یک نقش سنتی تقلیل بدهم که زنان را منفعل می‌کند. به‌نظر من این نقش، نقش فعال و جدی برای شالوده جامعه و کمک برای عبور از دوران گذار و به‌سلامت بیرون آوردن نسل آینده برای اینکه بتوانند تغییرات آتی را رقم بزنند، است؛ بنابراین درست است که آگاهانه یا ناآگاهانه در شرایط بحرانی، زنان کنش مراقبت‌گرایانه را بر مبارزات برابری‌خواهانه اولویت می‌دهند.

فکر می‌کنید این جنگ تأثیری بر اعتماد به حاکمیت در جامعه ایران داشته است؟

بله. قطعاً. به‌نظرم اعتماد به حاکمیت ضعیف‌تر شده است. به این دلیل که جامعه نیاز داشت در وضعیت جنگی، حمایت جدی‌تری از سمت حاکمیت ببیند. ما در ۱۲ روز هرگز صدای آژیر خطر برای آگاهی از حمله و نجات جان خود نشنیدیم. همچنین متوجه این موضوع شدیم که هیچ پناهگاهی برای مردم در نظر گرفته نشده و مردم برای محافظت از خود باید به یکدیگر پناه ببرند. بعد از جنگ نیز، با افزایش فشارهای اقتصادی و قطعی برق و آب و... مردم با این حس مواجه شدند که هیچ پناهی جز خود ندارند و حاکمیت نمی‌تواند از آن‌ها در برابر قدرت‌های خارجی محافظت کند. همین عوامل باعث کاهش اعتماد جامعه به حاکمیت شد.

به‌نظر شما در شرایط آتش‌بس، تاب‌آوری اجتماعی چگونه می‌تواند به حفظ سلامت روان و انسجام اجتماعی کمک کند؟

لازمه تاب‌آوری اجتماعی این است که افراد بتوانند از یکدیگر حمایت و مراقبت کنند. یعنی همان نقش مراقبتی که زنان در آن تبحر بیشتری دارند و در این موقعیت می‌توان از تجربیات‌شان استفاده کرد. اگر جامعه بخواهد تاب‌آوری داشته باشد، باید مراقبت‌گری را در خود تقویت و بازتولید کند. ایجاد گروه‌های اجتماعی همدلانه و مراقبت از یکدیگر در زمانی که شرایط بحرانی است، اهمیت بسیاری در تاب‌آوری اجتماعی خواهد داشت.

به‌عنوان روان‌شناس اجتماعی، چه استراتژی‌هایی برای بازسازی روانی جامعه پس از چنین جنگی پیشنهاد می‌کنید؟

همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، مسئله اصلی ما در حال حاضر، شیوع حس «هیچ‌کس بودن» در جامعه است که با واکنش‌هایی که از سمت حاکمیت وجود دارد، تقویت می‌شود. مهم‌ترین کاری که جامعه می‌تواند برای خود انجام دهد این است که احساس «کسی بودن» را با ایجاد حس تعلق به جمع گسترده «ایرانی بودن» در خود تقویت کند. نه به‌معنای سرکوب تفاوت‌ها، بلکه به این معنا که تفاوت‌ها را بپذیریم و همه را متعلق به این خاک بدانیم. اینکه افراد جامعه بدانند همدیگر را دارند و باید آن را حفظ کنند. دومین مورد این است که جامعه احساس ارزشمندی را در خود تقویت کند. تک‌تک افراد جامعه باید به یکدیگر احساس ارزشمندی بدهند و با احترام و همدلی به یکدیگر، احساس ارزشمندی را افزایش دهند. برای مثال کنش‌های کوچک مانند کنترل خشم، احترام در زندگی روزمره و... می‌تواند کم‌کم حس ارزشمندی را بین مردم رواج دهد. چون تقویت این حس نقش بسیار مهمی در انسجام جامعه و عبور از شرایط بحران دارد. سومین مورد، تقویت احساس اثربخشی است. یعنی با کارهای اثربخش کوچک، افراد جامعه این احساس را داشته باشند که می‌توانند وضعیت‌های نامطلوب خردی را که در زندگی روزمره وجود دارد تغییر دهند. بنابراین اگر بتوان با ناامیدی‌ای که در جامعه شکل گرفته، مقابله کرد و به‌وسیله رفتارهای خرد روزمره، احساس تعلق، ارزشمندی و اثربخشی در جامعه را تقویت کرد، می‌توان امید و احساس «کسی بودن» را به نسل‌های آینده منتقل کرد. همچنین با مراقبت از یکدیگر می‌توان کم‌کم در جهت بازسازی قوانین جامعه و تلاش برای تغییرات آتی قدم برداشت.

خبرسازان

احتمال افزایش حقوق پاکبانان

معاون خدمات شهری شهرداری تهران از تلاش برای افزایش حقوق پاکبان‌ها به‌دلیل کمبود نیرو خبر داد. به گزارش ایسنا، داود گودرزی درباره آخرین وضعیت تامین نیروهای پاکبان شهرداری توضیح داد و گفت: فرآیند رفت و روب و جمع‌آوری زباله از سال‌ها قبل توسط پیمانکاران انجام می‌شود؛ این فرآیند پیش از این مکانیزه شده بود و ماشین‌های مکانیزه شب‌ها و در کنار آن پاکبانان در خیابان‌ها به پاکیزگی شهر کمک می‌کنند. از سال ۱۴۰۲ یک قرارداد سه‌ساله با پیمانکاران موجود بسته شد و بعد از آن به ۱۴ قرارداد و ۲ قرارداد MRF کاهش پیدا کرد که این مسئله منجر به افزایش حجم کار شد.

برای برخی پیمانکاران بهتر بود که از نیروهای اتباع استفاده کنند، اما با خروج اتباع مسئله رفت و روب به مشکل خورد.» به گفته او، جلساتی در این‌خصوص با پیمانکاران و مدیران مناطق، برگزار شده و پیمانکاران موظف به استفاده از نیروهای جایگزین مشخص شده‌اند و استفاده از نیروهای ایرانی، الزام شده است. در گام اول ۱۰ هزار پیمانکار ثبت‌نام می‌کنند و به پیمانکاران معرفی خواهند شد. فراخوان اصلی از دو روز پیش آغاز شد و تلاش‌شده حقوق پاکبانان بین ۲۰ تا ۲۴ میلیون شود و اسکان‌ها را برای کارگران ایرانی تجهیز کنند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- حوزه ثبت ملک همدان - ناحیه یک
آگهی رای افرازپلاک ثبتی ۱۵/۴۱۸ حومه بخش سه ثبتی همدان
شناسه آگهی: ۱۹۸۷۹۷۰

چون برابر درخواست وارده شماره ۱۵۴۲۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ آقای «مهدی جوکرار» فرزند «نعمت‌الله» و آقای «امین جوکرار» فرزند «مراد» از این اداره مبنی بر افراز ۳/۴۳۵۸ سهم خود از شش دانگ یک قطعه زمین به پلاک ثبتی ۱۵/۴۱۸ واقع در حومه بخش سه ثبتی همدان که منجر به تنظیم گزارش افراز به میزان ۲۰۰ متر مربع گردیده، فلذا با توجه به نامه وارده شماره ۲۲۷۸۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ متقاضی به این اداره مبنی بر عدم اطلاع از آدرس پستی مالکین مشاعی و عدم دسترسی به ایشان، مراتب طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرایی اسناد رسمی جهت اطلاع شرکاء، مالکین مشاعی و افراد ذینفع آگهی تا با مراجعه به این اداره و مشاهده نقشه و صورتمجلس مضبوط در پرونده ثبتی، چنانچه اعتراضی به «رای افراز» دارند، ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی، اعتراض خود را به دادگاه شهرستان محل وقوع ملک (شهرستان همدان) تقدیم و رونوشت آن را به این اداره تحویل نمایند. بدیهی است در صورت عدم ارائه گواهی اقامه دعوی مطرح شده در مراجع قضایی (در موعد مقرر) به این اداره، نسبت به صدور سند مالکیت قطعه افرازی به نام متقاضی فوق اقدام خواهد شد.
حمید سلگی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان همدان - ناحیه یک

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان شمالی
آگهی فقدان سند مالکیت موضوع ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت
شناسه آگهی: ۱۹۸۷۶۴۷

آقای محمدرضا عزتی یزدانی فرزند فضل‌اله کد ملی ۰۶۸۲۰۷۱۳۳۱ با تسلیم دو برگ استشهاد گواهی امضاشده به تقاضای کتبی شماره ۵۰۱۳۰۶۷-۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ جهت دریافت یک برگ سند المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است که سند مالکیت شش دانگ پلاک ۰ فرعی از ۸۲۰ اصلی واقع در بخش یک بجنورد ذیل چاپی ۵۹۸۸۳۹ متعلق به نامبرده مفقود شده و در رهن بانک است. لذا طبق ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا هر کس مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور بوده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید. بدیهی است چنانچه در ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد اداره ثبت طبق مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد کرد و سند مالکیت اولیه از درجه اعتبار ساقط است.
مهدی سیاوشی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد - از طرف فاطمه بهادری

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان (سهامی خاص)

فراخوان مناقصه عمومی (ارزیابی ساده-فشرده)
نوبت دوم

شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره ۱۴۰۳/۰۰۵۹ مربوط به انجام خدمات عملیات ایمنی و آتش نشانی در کلیه مناطق تحت امر شرکت بهره برداری نفت و گاز مسجدسلیمان فراخوان شماره ۲۰۰۴۰۹۳۹۸۴۰۰۰۰۸۰ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه مذکور انجام خواهد شد.
الف- شرح مختصر خدمات: انجام خدمات عملیات ایمنی و آتش نشانی در کلیه مناطق تحت امر شرکت بهره برداری نفت و گاز مسجدسلیمان
ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار: محل اجرای خدمات: شرکت بهره برداری نفت و گاز مسجدسلیمان مدت انجام کار: ۱۲ ماه
ج - برآورد کارفرما: ۲۵۰٫۷۶۸٫۵۵۶٫۳۱۹ ریال
د - الزامات و شرایط متقاضیان (مدارک ذیل باید در پاکت استعلام ارزیابی کیفی بارگذاری و ارسال شوند):
- گواهینامه معتبر تایید صلاحیت ایمنی پیمانکاری صادره از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (در استعلام ارزیابی محاسبه نمی‌گردد لیکن جهت عقد قرارداد و شروع به کار پیمانکار وجود آن الزامی می‌باشد)
- گواهینامه معتبر تعیین صلاحیت انجام کار صادره از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- با کد فعالیت امور بهره برداری از تأسیسات و نظایر آن.
- اساسنامه شرکت/آگهی تاسیس شرکت/آخرین تغییرات شرکت در روزنامه رسمی/آگهی آخرین تغییرات ثبتی دارندگان امضا مجاز معتبر مناقصه گر
ر- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (فرایند ارجاع کار):
نوع تضمین: ۱۲٫۵۳۸٫۰۰۰٫۰۰۰
ه: محل و مهلت دریافت اسناد
از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت میگردد ظرف مهلت مقرر جهت اعلام آمادگی و دریافت اسناد مناقصه و استعلام ارزیابی (صرفا مدارک قید شده در پاکت استعلام ارزیابی کیفی ویژه مناقصات ساده- محدود به بند الف ۱۱ آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات) بصورت همزمان، از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir اقدام نمایند. با توجه به اینکه مناقصه بصورت فشرده انجام می‌شود. پس از بررسی‌های لازم و ارزیابی صلاحیت، پاکات پیشنهادی (الف، ب، ج) شرکتهایی گشایش خواهد شد که تاییدیه مدارک بارگذاری و ارائه شده را کسب نموده باشند. شایان ذکر است تاییدیه مدارک متقاضیان با عدد ((۱)) و عدم تایید با عدد ((۰)) در سامانه نمایش داده خواهد شد.
۱- مهلت اعلام آمادگی: بصورت الکترونیکی (غیرحضوری) از ساعت ۰۸۰۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۳
۲- مبلغ خرید اسناد: پرداخت مبلغ ۸۴۰٫۰۰۰ ریال از طریق درگاه پرداخت الکترونیکی موجود در سامانه به نشانی www.setadiran.ir
ضمنا متقاضیان باید حداکثر ظرف مدت ذیل مدارک مورد نیاز را مطابق با اطلاعات و شرایط قید شده در آگهی مناقصه یا مفاد استعلام ارزیابی، از طریق سامانه (ستاد) در پاکت پاسخ استعلام ارزیابی بارگذاری نمایند. بدیهی است مناقصه گزار این حق را برای خود محفوظ می‌دارد به مدارکی که مطابق شرایط مندرج در متن آگهی یا استعلام ارزیابی تنظیم یا ارائه نشده باشند ترتیب اثر نداده یا مردود اعلام نماید.
و: محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها
متقاضیان مکلفند پیشنهادات (پاسخ استعلام ارزیابی ساده، پاکات ب، ج) خود را حداکثر تا ساعت ۱۱:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه (ستاد) تسلیم نمایند. ضمنا پاکات پاسخ استعلام ارزیابی ساعت ۱۱:۳۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ گشایش می‌گردد و زمان گشایش پاکات ب، ج در صورتجلسه پرسش و پاسخ (پیش از تسلیم نرخ) روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۹ ساعت ۱۱:۰۰ تعیین و ابلاغ خواهد شد. امور حقوقی و پیمانها
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹
شناسه آگهی: ۱۹۸۴۰۷۴ www.shana.ir http://iets.mporg.ir www.nisoc.ir
روابط عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجد سلیمان